

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بررسی تقدم و تاخر ابعاد سیاسی و اقتصادی توسعه در خصوص جمهوری اسلامی

### ایران

قاسم میسایی \*

علی محمدی \*\*

### چکیده

یکی از مهمترین مباحثی که در خصوص توسعه مطرح می شوند تقدم و تاخر ابعاد مختلف آن است. مهمترین ابعادی که برای توسعه مطرح می شود، دو بعد توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی است. در خصوص تقدم و تاخر این دو بعد دیدگاه های مختلفی وجود دارد. برخی قائل به تقدم توسعه سیاسی هستند و برخی دیگر نیز به تقدم توسعه اقتصادی تاکید دارند و در نهایت برخی دیگر نیز بر روابط متقابل بین این دو بعد از توسعه تاکید دارند. سوال پژوهش حاضر به صورت ذیل مطرح شده: تقدم و تاخر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در خصوص جمهوری اسلامی ایران چگونه است و چه مواردی باید در سند انتظار گنجانده شود؟ جهت پاسخ گویی به سوال مذکور از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. طبق نتایج تحقیق، توسعه در جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه توسط دولت هدایت می شود و نقش دولت در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است، باید با توجه به بعد سیاسی توسعه و وجوه آن، یعنی دولت و جامعه، انجام گیرد. در این راستا، پژوهش حاضر در تدوین سند الگوی پایه پیشرفت، پیشنهادهای ارائه می دهد.

کلیدواژه‌ها: توسعه، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، جمهوری اسلامی ایران

### ۱-مقدمه

توسعه، بازگردان فارسی واژه Development است که از فعل Develop مشتق می شود. معنای این واژه در فرهنگ لغت به صورت رشد، ترقی، پیشرفت، تحول، تکامل، عمران و آبادانی بیان شده است. (نوروزی خیابانی، ۱۳۷۴، ۷۹) مفهوم توسعه اولین بار در ترکیب با واژه اقتصاد و به شکل توسعه اقتصادی به کار رفت و به مرور زمان ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به آن افزوده شد. (فلاح زاده، ۱۳۹۱، ۳۵) با توجه به پیوند اولیه مفهوم توسعه با اقتصاد

\* -دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی، Email:ghmisaei@yahoo.com

\*\* - دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه رشت

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بود که اولین نوشته های راجع به توسعه که بعد از جنگ جهانی دوم به صورت بخشی مستقل مطرح شدند، بر رشد اقتصادی و به خصوص افزایش تولید ناخالص ملی متمرکز شدند. (سن، ۱۳۸۶، ۱۶۰) به تبع غلبه این مفاهیم در نوشته های مربوط به توسعه، سازمان های بین المللی نیز این برداشت از توسعه را مبنای برنامه های خود قرار دادند و مجمع عمومی سازمان ملل متحد دهه ۱۹۶۰ را به عنوان دهه اول توسعه نام گذاری کرد (ورمزیاری و بنی اسدی، ۱۳۹۳، ۲) و رشد اقتصادی ۶ درصد را برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفت. این برنامه ها که صرفاً مبتنی بر رشد اقتصادی بوده اند با شکست مواجه شدند و آثار زیان باری از قبیل ایجاد فاصله طبقاتی، رشد لجام گسیخته و مخرب طبیعت و تضادهای ساختاری به همراه داشته که در نهایت منجر به بازنگری در مفهوم توسعه شد. انجمن بین الملل توسعه به صراحت اعلام کرد که در کشورها ممکن است با افزایش تولید ناخالص ملی زندگی انسانها حقیرتر شود. بدین ترتیب در دهه ۱۹۷۰ نسل جدیدی از متفکران به وجود آمدند که درخصوص مفهوم توسعه تعاریف کامل تری ارائه کردند. در همین زمینه استیگلیتز توسعه را معطوف به تحول و توسعه اجتماعی می داند که ضمن گسترش افق های انتخاب و آزادی فرد، کاهش فقر و تخریب محیط زیست، افزایش بهداشت، طول عمر و به طور کلی ارتقا کیفیت زندگی را به همراه دارد. (استیگلیتز، ۱۳۸۲، ۱۶۵) دادلی سیرز نیز در مقاله ای تحت عنوان «مفهوم نوین توسعه» مفاهیم فقر، اشتغال، برابری و توسعه عادلانه درآمد را مورد توجه قرار داد. (باقری ده آبادی، ۱۳۹۲، ۲۰۱-۲۰۰)

متاثر از برداشت های مختلفی که در خصوص مفهوم توسعه وجود داشته است، توسعه نیز ابعاد مختلفی پیدا کرده است. از مهمترین ابعاد آن می توان به بعد سیاسی و بعد اقتصادی توسعه اشاره کرد. در اینجا هر کدام از نظریه پردازان بر یکی از ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی توسعه تاکید می کردند. علاوه بر این تاکید بر هر کدام از این ابعاد در برنامه های توسعه تاثیر زیادی داشته است؛ به نحوی که می توان گفت، موفقیت یک برنامه جهت توسعه، تا حد زیادی به دیدگاه آن درخصوص ابعاد توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی بستگی دارد. در خصوص برنامه های پنج ساله توسعه ج.ا.ا، که تاکنون پنج برنامه را پشت سر گذرانده ایم و در حال حاضر نیز در برنامه ششم توسعه قرار داریم، برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) و دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴) توسعه، با توجه به شرایط بعد از جنگ تحمیلی، آشکارا اقتصادی بودند. برنامه های بعدی نیز غالباً به توسعه اقتصادی اختصاص داده شده اند، به نحوی که طی پژوهشی که انجام شده است، در برنامه های سوم تا ششم توسعه به ترتیب ۳۱٪، ۵۰٪، ۲۹٪، ۴۳٪ به بعد سیاسی توسعه اختصاص داده شده است. تنها در برنامه چهارم است که می بینیم توسعه سیاسی در حد توازن با توسعه اقتصادی رسیده است. در بقیه برنامه ها با اختلاف زیاد توسعه اقتصادی در برنامه ها غالب است. (میسایی و همکاران، بی تا) بنابراین تقدم و تاخر و جایگاه ابعاد سیاسی و اقتصادی توسعه، در توسعه یک کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به اهمیت این موضوع، در این پژوهش به بررسی تقدم و تاخر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی به عنوان دو بعد مهم از توسعه

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در خصوص وضعیت کنونی ج.ا.ا می پردازیم. تقدم و تاخر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در رابطه با ج.ا.ا تاکنون به عنوان پژوهشی مستقل انجام نشده است. با این وجود می توان به پژوهش هایی که به نحوی با این موضوع مرتبط هستند اشاره کرد: میثم میرزایی تبار و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «تبیین رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی؛ مطالعه موردی شهرستان ممسنی» (میرزایی تبار و همکاران، ۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی در شهرستان ممسنی می پردازند. طبق نتایج پژوهش، محققان به این نتیجه می‌رسند که به دلیل وجود فرهنگ سیاسی محدود- مشارکتی و طایفه‌ای، ریسک‌پذیری اقتصاد و عملکرد نامطلوب کارگزاران در ممسنی، توسعه‌نیافتگی اقتصادی به فرهنگ سیاسی مرتبط است. (میرزایی تبار و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۶۹) پژوهش مرتبط دیگر در این زمینه متعلق به عبدالمجید آهنگری و روح الله رضایی تحت عنوان «بررسی رابطه علی بین دموکراسی و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های ترکیبی» (آهنگری و رضایی، ۱۳۹۰) است که در آن با بهره‌گیری از آزمون علیتی به بررسی رابطه بین دموکراسی و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های ترکیبی ۹۴ کشور می‌پردازند. در نهایت نتایج این تحقیق بیانگر علیت دو طرفه از دموکراسی به سوی رشد اقتصادی است. (آهنگری و رضایی، ۱۳۹۰، ۴۷) با توجه به پژوهش‌هایی که در اینجا معرفی شدند می توان گفت که بررسی تقدم و تاخر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در خصوص ج.ا.ا تاکنون موضوع پژوهش مستقلی نبوده است. سوال (هایی) که در این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به آنها هستیم این است که: «تقدم و تاخر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در خصوص وضعیت کنونی ج.ا.ا چگونه است و در این رابطه چه مواردی را باید در سند انتظار مورد توجه قرار داد؟» به منظور پاسخگویی به سوال پژوهش از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. نوآوری پژوهش حاضر این است که با بررسی تقدم و تاخر ابعاد سیاسی و اقتصادی توسعه نسبت به ج.ا.ا، با توجه به شرایط موجود کشور، به تقدم بعد سیاسی توسعه دست می‌یابد و بر همین اساس نیز پیشنهادهای را جهت اعمال در سند الگوی پیشرفت ارائه می‌دهد. در ادامه ابتدا به بررسی مفهومی توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی می‌پردازیم. سپس نظریات مختلف در خصوص تقدم و تاخر توسعه سیاسی و اقتصادی را مطرح می‌کنیم و سعی در ارائه چارچوبی مفهومی در این خصوص هستیم و بدین ترتیب به بررسی وضعیت ایران با توجه به مبانی نظری می‌پردازیم.

### ۲- توسعه سیاسی<sup>۱</sup>

بحث توسعه سیاسی که از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ وارد حوزه مطالعات مقایسه‌ای شد، بنا به اهمیت و تازگی موضوع از بحث برانگیزترین موضوعات میان صاحب نظران شد. پس از این دو دهه نظریه‌های مختلفی در رابطه با توسعه

۱ . political development

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

سیاسی و شاخص‌های توسعه نیافتگی سیاسی در جهان سوم مطرح شد. با این حال هنوز ابهام و عدم صراحت زیادی در مورد آن وجود دارد. (عالم، ۱۳۸۲، ۱۲۳) این ابهام ناشی از چند بعدی، جامع و شدیداً کیفی بودن مفهوم توسعه سیاسی است. همین ابهام که در مفهوم توسعه سیاسی وجود دارد باعث شده که نظرات مختلف و تعاریف متعددی در باب توسعه سیاسی ارائه شود (فلاحی، ۱۳۸۹، ۱۶) و هر کدام بر ابعاد و جوانب مختلف توسعه سیاسی تاکید دارند.

لوسین پای را باید نخستین پژوهشگر برجسته ای دانست که مفهوم توسعه را عمیقاً تحلیل کرد و درباره آن نظریاتی داد. وی معتقد بود که نخستین گام در راه توسعه سیاسی، تکامل یافتن دولت ملی است. (عالم، ۱۳۸۲، ۱۲۴) از نظر پای، توسعه سیاسی نوعی التهاب اجتماعی و مقدمه ای برای ایجاد بحران‌های حکومتی است. توسعه سیاسی به پیدایش پنج نوع بحران هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و بحران توزیع می‌انجامد که بیشتر در جوامع «در حال گذار» ظاهر می‌شود. (پای، ۱۳۸۰، ۱۸) لوسین پای سه ویژگی مهم را برای مفهوم توسعه سیاسی مشخص می‌کند:

الف) برابری: از این لحاظ توسعه سیاسی به مشارکت توده‌ای و اقدام عمومی در فعالیتهای سیاسی مربوط است. این مشارکت ممکن است به صورت تحرک دموکراتیک یا در شکل تحرک توتالیتر باشد، اما نکته اصلی تبدیل شدن مردم به شهروندان فعال است. ب) ظرفیت: این ویژگی توسعه سیاسی به توانایی نظام سیاسی در تولید «برون دادها» و به میزان تاثیر آن بر جامعه و اقتصاد اشاره دارد. ج) تغییر تدریجی: این ویژگی توسعه سیاسی بر گسترش و اختصاصی کردن ساختارها دلالت می‌کند. مقامات و کارگذاری‌ها تمایل می‌یابند وظایف مشخص و محدودی داشته باشند، تقسیم کار متعادلی در درون حکومت وجود داشته باشد. این ویژگی همچنین متضمن یکپارچه کردن مجموعه ساختارها و روندهاست. بنابراین، تغییر تدریجی، به معنی پراکندن و منزوی کردن بخش‌های مختلف نظام سیاسی نیست، بلکه به معنی اختصاصی کردن آن‌ها بر پایه یکپارچگی است. (عالم، ۱۳۸۲، ۱۲۶-۱۲۵)

آلموند<sup>۱</sup>، نظریه کارکردگرایی را مطرح کرد و جامعه سیاسی را مانند مجموعه‌ای از عناصر به هم وابسته در نظر گرفت و به سه بخش تقسیم کرد: کارکرد استحال، کارکرد تطبیق و کارکرد نظام سیاسی.

هانتینگتون<sup>۲</sup> نهادینه کردن را معیار منحصر به فرد توسعه سیاسی دانسته و همه الگوهای خود را بر اساس آن تحلیل می‌کند. او می‌گوید: نظام سیاسی زمانی کارآمد است که از وجه بالای نهادینگی برخوردار باشد و شرط نهادینه‌شدن را مستلزم رسیدن به سطح استقلال و پیوستگی از طریق سازمان‌ها می‌داند. او مدعی است جهان سوم به دور از توان انجام هم‌زمان نوسازی اقتصادی و توسعه سیاسی است و باید دومی را فدای اولی کرده و آن را به مرحله بعد موکول

۱. Almond

۲. Hantington

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

سازد. هانتینگتون می‌گوید این روند باعث خشونت و برتری منافع خصوصی به منافع همگانی می‌شود. (پای، ۱۳۸۰، ۵۶)

وی بر این نظر است که هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری، و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند به همان نسبت به توسعه سیاسی نزدیک‌تر شده است. در واقع از دید این اندیشمند ویژگی‌های توسعه سیاسی عبارتند از: پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری، یگانگی و پراگماتیسم. (قادری، ۱۳۶۹، ۲۳-۲۲) او بر این اعتقاد است که آنجا که در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدید ظهور می‌کنند، لذا نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت سیستم با بی‌ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب تجلی کند. (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ۱۱-۱۲)

آیزنشتات<sup>۱</sup> توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد. زیرا به موازات تنوع ساختاری می‌بایستی میزان استقلال یا وابستگی ساختارها و کارکردها را نیز در نظر داشت، به این معنا که هر اندازه جامعه از ساختارهایی برخوردار شود که هر کدام دارای هویت مستقل برای خود باشند، به همان نسبت بر درجه توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد. (قوام، ۱۳۷۱، ۱۵)

رونالد چیلکوت نیز یک تقسیم‌بندی از نظریات توسعه سیاسی ارائه داده است. وی نظریات توسعه سیاسی را به سه قسمت تقسیم کرد و این گونه به نظر می‌آید که این تقسیم‌بندی جامع‌ترین تقسیم‌بندی باشد که عبارتند از: الف) آن دسته از نظریات که توسعه سیاسی را با دموکراسی مترادف می‌دانند از نظریه پردازان این گروه می‌توان از کارل فریدریک، جیمز برایس، لوسین پای، سیمور مارتین لیپست و آرتور اسمیت نام برد که در مجموع به پارلمانتریسم، انتخابات، کثرت‌گرایی، نظام‌های سیاسی چندحزبی و نظام‌های سیاسی رقابتی، اقتدار قانونی نظام‌یافته، آزادی مطبوعات، توسعه اقتصادی و مشروعیت سیاسی به عنوان مؤلفه‌های اصلی توسعه سیاسی اشاره داشته‌اند. ب) آن دسته که بر تغییر و توسعه سیاسی تمرکز تحقیقاتی داشته‌اند. از محققان در این دسته می‌توان از رابرت نیزیت، کارل فرد ریگز و لوئیس کوزر اشاره کرد که به نظریه‌های تغییر و تحول، کشمکش اجتماعی، فراز و نشیب‌های تغییر در جوامع مختلف و تغییر و تحول به عنوان نیاز طبیعی انسان‌ها و جوامع توجه کرده‌اند. ج) نظریاتی که به تجزیه و تحلیل بحران‌ها و مراحل تسلسلی توسعه پرداخته‌اند و می‌توان به لئونارد بایندر، جیمز کلمن، لاپالومبارا و سیدنی وریا اشاره داشت. این گروه به کارکردهای اجتماعی در مسیر توسعه سیاسی مانند پدیده ظرفیت اجتماعی - سیاسی،

۱. Eisenstadt

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

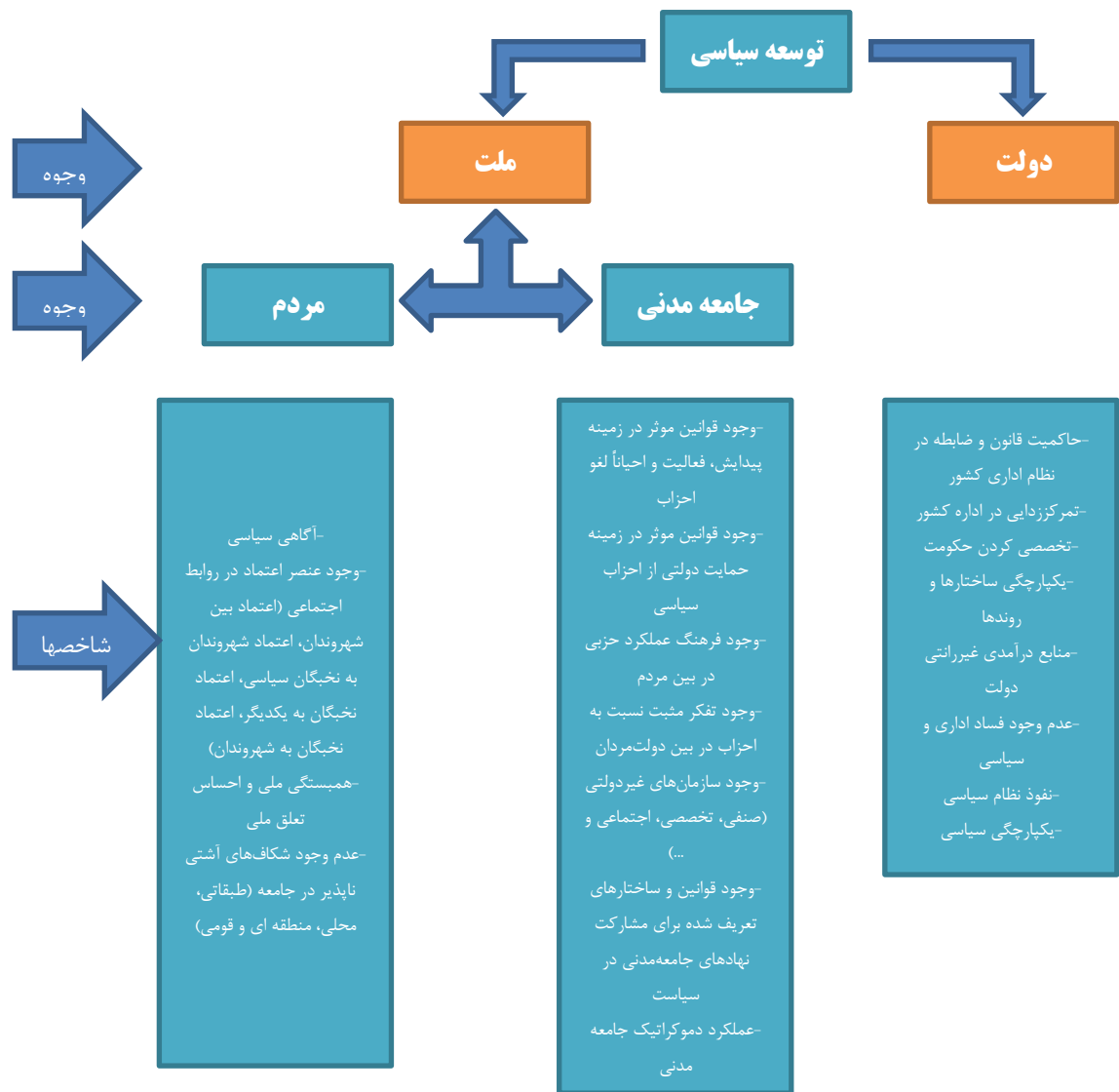
عدالت و تقسیم امکانات و منابع و نهایتاً به طبقات اجتماعی - سیاسی پرداخته‌اند روش‌های تقسیم قدرت، رقابت در کسب قدرت و شیوه‌های برخورد هیأت حاکمه با بحران مشروعیت سیاسی از دیگر زوایای تحقیقاتی این گروه از محققان می‌باشد. (چیلکوت، ۱۳۷۸، ۴۱۶-۴۱۴)

همان‌طور که در بالا گفته شد، توسعه سیاسی تعاریف زیادی دارد؛ با توجه به مجموع نظریات مطرح شده در توسعه سیاسی می‌توان گفت که توسعه سیاسی از دو وجه تشکیل شده است: الف) وجه دولت: در این وجه، توسعه سیاسی متوجه دولت و ساختارهای آن می‌شود و هدف نهایی آن افزایش ظرفیت نظام سیاسی برای پاسخ‌گویی بیشتر به نیازهای جامعه، حل مشکلات آن و مدیریت تغییرات است به نحوی که هرچه بیشتر مطالبات و درخواست‌ها به نظام سیاسی منتقل شود. از جمله شاخص‌هایی که در این وجه می‌توان از آن یاد کرد حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری کشور، تمرکززدایی در اداره کشور، تخصصی کردن حکومت، یکپارچگی ساختارها و روندها، منابع درآمدی غیررانتی دولت، عدم وجود فساد اداری و سیاسی، نفوذ نظام سیاسی، و یکپارچگی سیاسی است. ب) وجه ملت (جامعه): در این وجه، بر نقش ملت یا جامعه در یک نظام سیاسی توسعه یافته تاکید می‌شود. این وجه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. ۱) جامعه مدنی: جامعه مدنی مجموعه‌ای از سازمان‌ها، نهادها و تشکیلات غیردولتی است که نقش واسطه بین افراد و گروه‌های اجتماعی از یک سو، و حکومت از سوی دیگر را برعهده دارند. (بشیریه، ۱۳۸۰، ۳۲۹) وجود جامعه مدنی تاثیرگذار و قوی یکی از مهم‌ترین ابعاد جوامع توسعه یافته است. از جمله مولفه‌ها و شاخص‌هایی که به واسطه آن‌ها می‌توان توانایی جوامع را در این خصوص سنجید، می‌توان به مواردی از قبیل وجود قوانین موثر در زمینه پیدایش، فعالیت و احیای لغو احزاب، وجود قوانین موثر در زمینه حمایت دولتی از احزاب سیاسی، وجود فرهنگ عملکرد حزبی در بین مردم، وجود تفکر مثبت نسبت به احزاب در بین دولت‌مردان، وجود سازمان‌های غیردولتی (سازمان‌های صنفی، تخصصی، اجتماعی و ...)، وجود قوانین و ساختارهای تعریف شده برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی در سیاست، و عملکرد دموکراتیک جامعه مدنی اشاره کرد. ۲) مردم: مردم به عنوان مهم‌ترین ماده خام یک نظام سیاسی تلقی می‌شوند که نقشی تعیین کننده نیز در ماهیت یک نظام سیاسی ایفا می‌کند به نحوی که یک نظام سیاسی ویژگی‌های خود را از دورن جامعه خود کسب می‌کند و در قالب جامعه موجود به ایفای نقش می‌پردازد. در یک جامعه توسعه یافته مردم دارای شاخص‌هایی از قبیل آگاهی سیاسی، وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی (اعتماد بین شهروندان، اعتماد شهروندان به نخبگان سیاسی، اعتماد نخبگان به یکدیگر، اعتماد نخبگان به شهروندان)، همبستگی ملی و احساس تعلق ملی، و عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه (طبقاتی، محلی، منطقه‌ای و قومی) هستند. با توجه به این توضیحات می‌توان مدل توسعه سیاسی را به صورت ذیل طراحی کرد:

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

شکل ۱: مدل مفهومی توسعه سیاسی



### ۳- توسعه اقتصادی<sup>۱</sup>

همان طور که گفته شد، توسعه ماهیتی چندبعدی دارد که یکی از ابعاد آن، توسعه اقتصادی است. از توسعه اقتصادی در متون علم اقتصاد تعاریف گوناگونی ارائه شده است. تا قبل از سال ۱۹۷۰ رشد سریع تولید ناخالص داخلی یک

۱ . Economic development

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

متغیر جدی برای توسعه ارزیابی می‌شد. بر همین اساس است که برخی از اقتصاددانان تفاوتی بین دو مفهوم توسعه و رشد اقتصادی قائل نیستند. از جمله آرتولوئیس که در سرتاسر کتاب خود (نظریه رشد اقتصادی) این دو کلمه را به صورت مترادف استفاده کرده است. یا تعریف جرالده می‌یر که می‌گوید: توسعه اقتصادی عبارت است از فرایندی که به موجب آن درآمد سرانه واقعی در یک کشور و در دورانی طولانی افزایش می‌یابد، (نفعی، ۱۳۹۵، ۱۷) برگرفته از این دیدگاه است. اما در مخالفت با این دیدگاه، برخی بیان می‌کنند که بعد از انقلاب صنعتی و رشد سریع تولید، میلیون‌ها نفر در فقر زندگی می‌کردند و نگران امرارمعاش زندگی خود بودند. به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان بین دو واژه رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی تمایز قائل می‌شوند، و به متغیر کیفیت زندگی مردم تاکید دارند. در بسیاری از کشورهای درحال توسعه با وجود نرخ بالا از رشد درآمد سرانه تغییر چندانی را در زندگی بخش بزرگی از جمعیت تجربه نمی‌کنند. به همین دلیل توسعه اقتصادی صرفاً با افزایش درآمد سرانه و با وجود افزایش فقر، نابرابری و بیکاری حاصل نمی‌شود. (مهدوی، ۱۳۹۶، ۸) نتیجه اینکه توسعه به مثابه یک فرایند با رشد اقتصادی همسان نیست. می‌توان کشوری را در نظر آورد که در آن سرانه تولید ناخالص ملی افزایش یابد ولی در عین حال نابرابری درآمد بیشتر شود، یعنی فقیرها فقیرتر شوند و دیگر هدف‌های توسعه نیز رشد منفی پیدا کند. این وضعیت را می‌توان رشد اقتصادی همراه با توسعه منفی به شمار آورد که در آن به رغم افزایش درآمد، اوضاع اقتصادی مردم بدتر می‌شود. (نفعی، ۱۳۹۵، ۱۸)

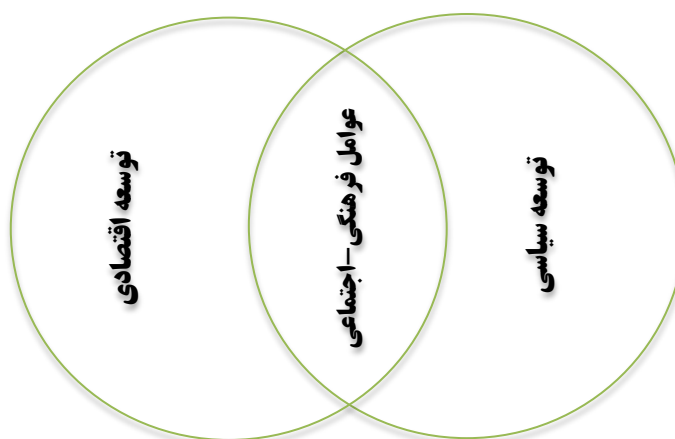
توسعه اقتصادی تنها به رشد اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه مسائل مربوط به فقر، نابرابری، شهرنشینی، مهاجرت، بیکاری، توزیع درآمد و شاخص‌های اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. (لشکری، ۱۳۸۸، ۵) در توسعه اقتصادی علاوه بر روش تولید و توزیع محصولات و حجم تولید، تغییرات سطح زندگی، نهادهای جامعه و سیاست‌ها هم مدنظر است. (Myrdal, ۱۹۷۵, ۱۸۲) توسعه اقتصادی فرایندی است، که در طی آن، شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود. به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. (لوکایون و دیگران، ۱۳۷۳، ۱۴۷)



# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

شکل ۲: روابط بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی



با توجه به توضیحات بالا می توان گفت که هرچند معیارهای توسعه اقتصادی کمیت پذیرند و از طریق شاخص‌هایی چون تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، کاهش یا افزایش قدرت خرید، میزان اشتغال و مانند این‌ها می توان میزان توسعه اقتصادی را در چارچوب‌های آماری یا محاسبات دقیق مورد ارزیابی و سنجش قرار داد، اما به مرور زمان توسعه اقتصادی، شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر گرفته است. به نحوی که در اینجا خطوط فاصل بین ابعاد توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی کم رنگ تر می شود و مباحث اجتماعی و فرهنگی در هر دو بعد اثر گذار می شوند. می توان این موضوع را در شکل ذیل نشان داد:

### ۳- رابطه توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی

مساله دیگری که البته متأثر از برداشت‌های متفاوت از مفهوم توسعه است، تاکید متفاوت بر ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی در بین نظریه پردازان توسعه است. به نحوی که هر کدام از نظریه پردازان بر یکی از این ابعاد در توسعه تاکید کرده اند و سایر ابعاد را به عنوان متغیرهای وابسته و تابع قرار دادند. در یک جمع بندی کلی، این دیدگاه‌ها را می توان در قالب سه گروه تقسیم بندی نمود:

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۱-۳- دیدگاهی که قائل به تقدم توسعه اقتصادی هستند

با توجه به اینکه در ابتدا مفهوم توسعه با مفهوم رشد گره خورده بود، نظریه‌های اولیه تاکید خود را بر روی بعد اقتصادی گذاشتند. این استدلال سنتی که توسعه، راه را برای دموکراسی هموار می‌سازد نخستین بار توسط سیمور مارتین لیپست (۱۹۵۹) و سپس توسط دیگران (روشمایر و همکاران، ۱۹۹۲؛ دایاموند، ۱۹۹۲) مطرح شد. (لفتویچ، ۱۳۷۸، ۶۴-۶۳) لیپست بر تقدم توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی تاکید می‌کند. وی در صدد نشان دادن این مطلب بود که چه رابطه‌ای بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی وجود دارد؟ وی خاطر نشان می‌سازد که در دوران گذشته تاکنون همیشه این بحث مطرح شده که هر چه ملتی از رفاه بیشتری برخوردار باشد، فرصت‌ها و امکانات بیشتری برای حفظ دموکراسی دارد. از نظر او جوامع مرفه دارای امکانات بیشتری از لحاظ دسترسی به دموکراسی هستند ولی جوامع فقیرتر به الیگارش‌ی یا اتوکراسی گرایش دارد. (قوام، ۱۳۹۰، ۱۰۸-۱۰۷) براساس این دیدگاه، تحقق دموکراسی با سطح توسعه اقتصادی در ارتباط است و یک کشور، احتمالاً وقتی به دموکراسی دست می‌یابد که مرحله‌ای از تکامل اقتصادی را پیموده و به سطح معینی از سرانه تولید ناخالص ملی (GDP) رسیده باشد و یا اینکه مردمش به حد معینی از تحصیلات دست یافته باشند. در این حالت، دموکراسی به علت تحولاتی است که در آن کشور روی داده است. (آهنگری و رضایی، ۱۳۹۰، ۵۲)

استدلال کلی این است که «هر چه سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی بالاتر باشد، احتمال پیدایش نظام سیاسی رقابتی بیشتر خواهد شد و در نتیجه مشارکت سیاسی افزایش خواهد یافت. با این استدلال که با توسعه اقتصادی، شمار فراوانی از سازمان‌ها و گروه‌بندی‌های نیمه خود مختار و مستقل به وجود می‌آید که موجب توزیع تصمیم‌گیری‌ها و منابع سیاسی در بین مراکز متعددی می‌گردند و باعث می‌شوند گرایشی به استقلال نسبی در بین گروه‌ها و سازمان‌ها شکل گیرد و تمایل به سازش و مذاکره افزایش می‌یابد و به نسبت هر چه نظام سیاسی توسعه نیافته به سطوح بالاتری از توسعه اقتصادی دست یابد، حفظ نظام اجتماعی بسته قدیم، به نحو فزاینده‌ای ناممکن می‌گردد.» (بشیریه، ۱۳۸۰، ۹)

۲-۳- دیدگاهی که قائل به تقدم توسعه سیاسی هستند

در سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ نظریه‌های رشد نیز دچار تحول شد. زیرا در عمل ثابت شد که عدم کارایی ساختارها و کارکردهای نظام سیاسی وضعیتی به وجود می‌آورد که مانع از توسعه اقتصادی مطلوب می‌شد. (قوام، ۱۳۹۳، ۱۳) داگلاس نورث در یکی از آثار خود به خوبی به این موضوع اشاره می‌کند: «تحلیل درباره حکومت و خط مشی سیاسی، بخشی تفکیک‌ناپذیر از یک الگوی پویای تغییر اقتصادی است، زیرا سیاست قواعد رسمی را تصریح، تعیین و اجرا می‌کند»

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

هانتینگتون نیز معتقد است که توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم موجب بحران مشارکت در این کشورها می‌شود. به این معنی که نخبگان سیاسی تاکید بیش از حد بر توسعه اقتصادی می‌کنند اما از توسعه سیاسی غفلت می‌ورزد و زمانی که طبقه‌های متوسط شکل گرفت دیگر نهاد توسعه یافته‌ای نیست که مشارکت مردم را برتابد و مردم بتوانند آرزوها و خواست‌های خود را در محیط سیاسی که در حقیقت همان نهادها است محقق سازند. هانتینگتون در نهایت نتیجه می‌گیرد که توسعه اقتصادی منجر به بحران می‌شود و این بحران حل نمی‌گردد مگر با توسعه سیاسی که همان توسعه در نهادهای سیاسی برای جلب مشارکت سیاسی مردم است. (ملکوتیان، ۱۳۸۴، ۱۳۸)

چلیپی و اکبری نیز در پژوهشی با عنوان «توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی مطالعه تطبیقی - طولی (۲۰۰۰-۱۹۷۰)» (چلیپی و اکبری، ۱۳۸۴) چنین نتیجه می‌گیرند که توسعه سیاسی از دو مسیر عمده اثر کاهنده بر نابرابری‌های اجتماعی دارد: یکی این که توسعه سیاسی فرآیند تحقق توسعه اقتصادی را در طول زمان هموار می‌سازد و دیگر آن که توسعه سیاسی باعث کاهش فساد اداری خواهد شد که این خود باعث کاهش در نابرابری‌های اجتماعی نیز می‌شود. (چلیپی و اکبری، ۱۳۸۴، ۲۸)

۳-۳ دیدگاهی که قائل به روابط متقابل بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی است:

این دیدگاه جمع بین دو دیدگاه قبلی است. در این دیدگاه، چنین فرض می‌شود که میان اهداف متعدد توسعه مانند رشد، دموکراسی، ثبات و برابری مغایرتی وجود ندارد. دموکراسی با حفظ حقوق مالکیت، مشوق سرمایه‌گذاری است و با اجازه ابراز نظرات و عقاید موجب کارایی بیشتر در تخصیص منابع می‌گردد. همچنین با استفاده از ابزارهای نظارتی از بروز فساد و انحراف در دولت‌مردان جلوگیری می‌کند و با مشارکت افراد در تعیین سرنوشت خود انگیزه‌های تولیدی را در جامعه افزایش می‌دهد. این فواید مادی جدای از ارزش‌های بنیادین دموکراسی از جمله آزادی‌های سیاسی، حقوق مساوی و ایجاد احترام و منزلت برای همه شهروندان است به طوری که آمارتیا سن بیان می‌دارد: «وجود آزادی‌های سیاسی اولیه نه فقط یک واکنش راهبردی به نیازهای اقتصادی است، بلکه همچنین درک نیازهای اقتصادی خودش نیازمند وجود چنین حقوقی نیز است.» (سن، ۱۳۸۲، ۳۲۴)

در این راستا، بسیاری معتقدند که نیل به دموکراسی، تنها راه تقویت نظم و قانون، بهبود کیفیت نهادی و بنابراین، افزایش رشد اقتصادی است. فریدمن (۱۹۶۲) معتقد است که دو نوع (آزادی) به طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند. در این دیدگاه، گسترش حقوق سیاسی (دموکراسی بیشتر)؛ حقوق اقتصادی را افزایش داده و در نتیجه منجر به گسترش رشد می‌شود. (آهنگری و رضایی، ۱۳۹۰، ۵۴-۵۳)

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

### ۴- الگوی پیشنهادی در خصوص رابطه بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی

با بیان چند نکته می‌توان، با توجه به مطالب نظری بالا، به الگویی پیشنهادی در خصوص رابطه بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در خصوص ج.ا.ا. دست یافت. اول اینکه در دنیای جدید مفهوم توسعه هر چه بیشتر ابعاد اجتماعی و سیاسی به خود گرفته است. حتی بعد اقتصادی توسعه نیز ابعادی اجتماعی به خود گرفته است و از حالت رشد اقتصادی صرف فراتر رفته است. امروزه بیش از آن که بر عوامل اقتصادی در توسعه یک کشور تاکید شود، بر عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تاکید می‌شود.

نکته دوم اینکه روند توسعه در دنیای غرب با روند توسعه در کشورهای در حال توسعه متفاوت است. توسعه در غرب نتیجه گذر زمان و تغییرات در بستر اجتماعی و بدون برنامه ریزی بود. در حالی که توسعه در حال حاضر در کشورهای در حال توسعه، در فرایندی برنامه‌ریزی شده و با مجری‌گری دولت انجام می‌شود. به همین دلیل است که برخی معتقدند توسعه اقتصادی بدون برنامه‌ریزی ممکن نیست. در هیچ کشوری فرآیند توسعه بدون دخالت دولت طی نشده است؛ بنابراین در طی مسیر طولانی توسعه حضور دولت الزامی است. دولت باید مشارکت فعال، پویا و هدایت‌کننده داشته باشد. (لشکری و بافنده ایماندوست، ۱۳۹۰، ۱۳۴)

از طرف دیگر، ناکامی فرایند توسعه در کشورهای در حال توسعه بیانگر این است که این موضوع به تمام و کمال معلول ضعف ساختار اقتصادی و بی‌توجهی به اصلاح نقایص این ساختار نیست بلکه در کنار آن ساختار سیاسی، عملکرد دولت و تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی که عمدتاً در حوزه ساختار سیاسی تعریف می‌شود، عوامل مهمی در بروز این مسأله به حساب می‌آیند. در این جا می‌توان اذعان نمود که برخی از نارسایی‌های اقتصادی در جهان سوم ناشی از ناتوانی و یا کمبود منابع اقتصادی نیست بلکه عمدتاً از سیاست‌های اتخاذ شده و عملکرد دولت که خود نیازمند اصلاح است، نشأت می‌گیرد. (مایر، ۱۳۷۵، ۱۷۵) دولت‌ها باید واجد خصوصیات باشند که بتوانند امر توسعه را تاخیر را هدایت کنند. بنابراین در شرایط کنونی باید وجه دولت در توسعه سیاسی مورد توجه جدی قرار گیرد. اهمیت این وجوه از توسعه سیاسی وقتی بیشتر می‌شود که خود دولت در واقع سکان‌دار هدایت به سمت توسعه است. به همین دلیل به عنوان موتور محرکه توسعه، باید ابتدا به اصلاح و تقویت خود در این زمینه اقدام کند. در جمهوری اسلامی ایران، دولت دارای ویژگی‌هایی است که با هدایت‌گری آن به عنوان موتور محرکه توسعه در تضاد است و قبل از هر چیز باید نسبت به رفع آن‌ها اقدام کند. فقدان درک روشن و اجماع نظر نسبی در مورد مقوله و مفاهیم اساسی نظیر منافع ملی، رفاه و توسعه اقتصادی، از جمله این ویژگی‌ها است. اجماع نظر میان دولت مردان و صاحبان سرمایه

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در مورد تعاریف مفاهیمی چون منافع ملی، امنیت و ثبات اقتصادی و ... تا اندازه زیاد در روند آزادسازی اقتصادی و حرکت به سوی توسعه تاثیرگذار است. (پوراحمدی، ۱۳۸۴، ۸۰۴) در مجموع می توان گفت که در موضوعات کلان اجماع نظر نسبی در دولت وجود ندارد. وجود منابع درآمدی رانتهی در دولت، عدم یکپارچگی ساختارها و روندها در دولت و وجود برخی موازی کاریها در برور کراسی، توجه به منافع کوتاه مدت حکومتها بدون نگاه به راهبردهای بلندمدت کشور، گزینش های خلاف شایسته سالاری در بدنه حکومتها، وجود فساد اداری و سیاسی در بدنه دولت و رانت جویی غیرمولد و ائتلافهای غیرسازنده با بخش تولید در کشور نیز از جمله موانع و مشکلات در این زمینه است. برای مثال می توان به صنعت خودروسازی ایران و رفتار دولت مردان با آن اشاره کرد. صنعت خودروسازی داخلی علی رغم طی چند دهه از عمر خود و استفاده از حمایت های بی حد و حصر دولتی همچنان محتاج بازار داخلی است و توان رقابت که هیچ، توان پابرجا ماندن در عرصه بازار جهانی را نیز ندارد. یکی از دلایل عدم رشد صنعت خودروسازی ایران را می توان رانت جویی ها و ائتلاف های غیرسازنده و منفعت طلبانه دولت مردان با صنعت خودرو در جهت منافع شخصی خود دانست. طبیعی است وقتی دولت خود مبتلا به این صفات باشد نمی تواند از منابع و امکانات موجود در جهت توسعه کشور به خوبی استفاده کند.

نکته سوم اینکه، در کنار اهمیت وجه دولت در توسعه اقتصادی، باید به جامعه، به عنوان یکی از وجوه توسعه سیاسی و نقش آن در توسعه یافتگی کشور نیز توجه کرد. توسعه اقتصادی مستلزم رفتارهای خاص اجتماعی است و به فرهنگ و شناسه های فرهنگی ملت وابستگی دارد؛ به عبارتی، توسعه اقتصادی نیازمند باورهای فرهنگی مناسب و سازگار با توسعه است. (عظیمی، ۱۳۷۱، ۱۸۳) ارزش قائل شدن برای کار و تولید، وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی، آگاهی سیاسی، همبستگی و احساس تعلق ملی، عدم وجود شکاف های آشتی ناپذیر در جامعه، لزوم نظم پذیری جمعی، حاکمیت عقلانیت، باور به برابری انسانها، مشارکت مردم در انجام امور، احساس توانایی مسئولان و مردم در رسیدن به اهداف توسعه، وحدت فرهنگی، قانون گرایی را می توان مؤلفه های اجتماعی مؤثر بر توسعه اقتصادی دانست. (نظریور، ۱۳۹۰، ۱۸۵) علاوه بر عناصر فرهنگی و اجتماعی، جامعه نیازمند ساختارهایی است که به عنوان حد فاصل بین دولت و جامعه ایفای نقش کنند و مطالبات مردم را به جامعه و برعکس، برسانند. در همین زمینه در خصوص جمهوری اسلامی ایران می توان به مواردی از قبیل وجود سازمان های غیردولتی و فعالیت مردم در قالب آنها، وجود قوانین مؤثر در خصوص پیدایش، فعالیت و احیانا لغو احزاب، وجود فرهنگ عملکرد حزبی در بین مردم، وجود قوانین و ساختارهای تعریف شده برای مشارکت نهادهای مدنی در سیاست اشاره کرد.

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و

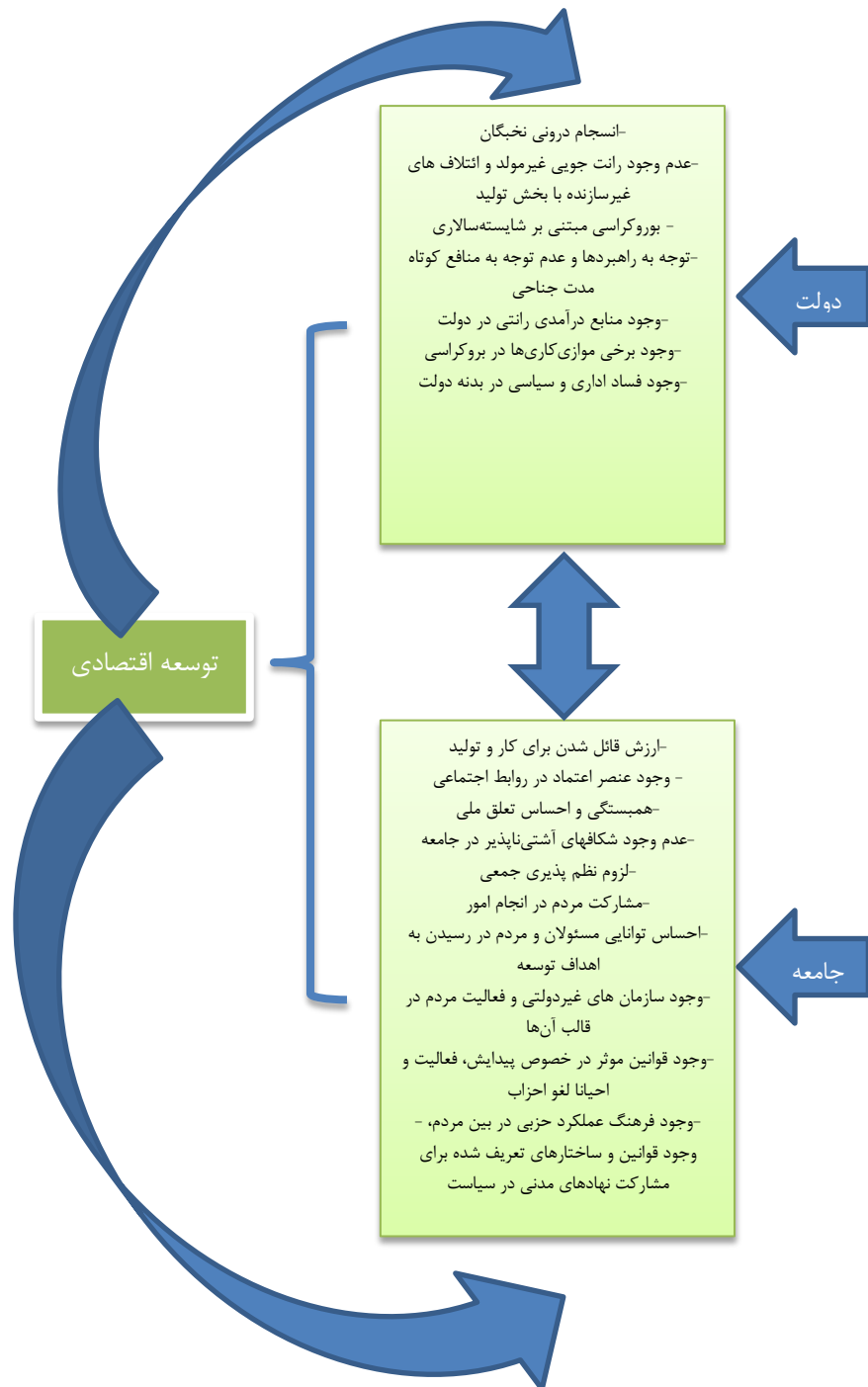
## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بنابراین با توجه عاملیت دولت در توسعه، و همچنین تاثیرات متقابل جامعه بر دولت، در اینجا جهت دستیابی به یک توسعه اقتصادی مطلوب، باید از رهگذر توسعه سیاسی و با توجه به مولفه‌های آن وارد فرایند توسعه شد. این موضوع به خوبی در مدل ذیل نمایش داده شده است:

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

شکل ۳: تقدم بعد سياسي توسعه در فرایند توسعه ج.ا.ا.



# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

### ۵- نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی تقدم و تاخر ابعاد سیاسی و اقتصادی توسعه در خصوص جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. توسعه به ابعاد مختلفی از جمله ابعاد سیاسی و اقتصادی تقسیم شده است و اندیشمندان مختلف با توجه به مبانی نظری مختلف هر یک بر تقدم یکی از این ابعاد نسبت به دیگری در فرایند توسعه تاکید کرده اند. در این میان بررسی تقدم و تاخر این ابعاد توسعه، نسبت به فرایند توسعه در جمهوری اسلامی ایران از اهمیت زیادی در موفقیت این کشور در مسیر توسعه یافتگی برخوردار است. بر همین اساس سوال پژوهش به صورت ذیل مطرح شد: «تقدم و تاخر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در خصوص جمهوری اسلامی ایران چگونه است و چه مواردی باید در سند انتظار گنجانده شود؟» جهت پاسخ گویی به سوال مورد نظر ابتدا مفاهیم «توسعه سیاسی» و «توسعه اقتصادی» شرح داده شد و سپس به بررسی نظریات مختلف در خصوص تقدم و تاخر ابعاد سیاسی و اقتصادی پرداختیم و در نهایت مدلی در این خصوص در رابطه با ج.ا.ا ارائه شد. طبق نتایج تحقیق، توسعه در جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه توسط دولت هدایت می شود و نقش دولت در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است، باید با توجه به بعد سیاسی توسعه و وجوه آن، یعنی دولت و جامعه، انجام گیرد. در این راستا، در پیش نویس سند الگوی پایه پیشرفت، در قسمت تدابیر، در حوزه های مختلف دولت و جامعه مواردی گنجانده شده است که پیشنهاد می شود موارد ذیل به آنها افزوده شود:

در حوزه دولت: انسجام درونی نخبگان از طریق تبادل فکری و نظری بین آنها و رسیدن به نقاط مشترک مورد اتفاق و نهایی؛ شفاف سازی نوع رابطه دولت با شرکت های تولیدی دولتی، نیمه دولتی و خصوصی و میزان و نحوه کمک دولت به آنها، به منظور عدم وجود رانت جویی غیرمولد و ائتلاف های غیرسازنده با بخش تولید؛ تقویت شایسته سالاری در بوروکراسی اداری؛ تلاش در جهت نهادینه کردن فرایند سیاسی در کشور به منظور غلبه راهبردها بر منافع کوتاه مدت جناحی؛ تلاش در جهت کاهش برخی موازی کاری ها در بروکراسی؛ شفافیت هر چه بیشتر فرایندها، میزان و نحوه حمایت دولت از تولید و اشتغال به منظور جلوگیری از فساد اداری و سیاسی در بدنه دولت. در حوزه جامعه: نهادینه کردن فرهنگ کار و تولید در جامعه و ارزش قائل شدن برای کار و تولید؛ تقویت عنصر اعتماد در روابط اجتماعی؛ تقویت همبستگی و احساس تعلق ملی در بین مردم؛ تلاش در جهت کاهش شکاف های آشتی ناپذیر (قومی، طبقاتی، منطقه ای) در جامعه؛ ترویج لزوم نظم پذیری جمعی؛ تقویت مشارکت مردم در انجام امور؛ تقویت خودباوری و احساس توانایی مسئولان و مردم در رسیدن به اهداف توسعه؛ نهادینه کردن سازمان های غیردولتی و فعالیت مردم در قالب آنها؛ تعیین تکلیف جایگاه احزاب در حیات سیاسی ج.ا.ا؛ ایجاد و تقویت قوانین و ساختارهای تعریف شده برای مشارکت نهادهای مدنی در سیاست.



# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

### منابع

- نظریور، محمدنقی. (۱۳۹۰). گستره اثرگذاری فرهنگ اسلامی بر توسعه اقتصادی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸.
- استیگلیتز، جوزف. (۱۳۸۲). به سوی پارادایم جدید توسعه. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۶-۱۹۵.
- آهنگری، عبدالمجید، رضایی، روح الله. (۱۳۹۰). بررسی رابطه علی بین دموکراسی و رشد اقتصادی: با استفاده از داده های ترکیبی. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱، بهار.
- باقری ده آبادی، علیرضا، (۱۳۹۲). بررسی چالش‌ها و چشم انداز های توسعه در کشورهای کمتر توسعه یافته عضو جنبش عدم تعهد. فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، ویژه نامه عدم تعهد، تابستان.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). درس های دموکراسی برای همه. تهران: انتشارات موسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). جامعه شناسی سیاسی. چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- پای، لوسین. (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی. ترجمه غلامرضا خواجه سروی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوراحمدی، حسین. (۱۳۸۴). مبانی استراتژیک اصلاح سیاست های توسعه اقتصادی و اولویت های دولت در ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۴، زمستان.
- چلبی، مسعود، اکبری، حسین. (۱۳۸۴). توسعه سیاسی توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی مطالعه تطبیقی - طولی (۱۹۷۰-۲۰۰۰). مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۳، پاییز.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۲). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۶). مفهوم توسعه. ترجمه شاکه سرکسیان و علی گودرزی، راهبرد یاس، شماره ۱۲، زمستان.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۱). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه احمد موثقی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- عالم، عبدالرحمان. (۱۳۸۲). بنیادهای علم سیاست. تهران، نشر نی.
- فلاح زاده، سید حسین. (۱۳۹۱). رضاخان و توسعه ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فلاحی، مجید. (۱۳۸۹). بررسی بحران های پنج گانه توسعه سیاسی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- قادری، حاتم. (۱۳۶۹). مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم. تهران: نشر سفید.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۱). توسعه سیاسی و تحول اداری. تهران: نشر قومس.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۰). سیاست‌های مقایسه‌ای. تهران: سمت.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳). چالش های توسعه سیاسی. چاپ هفتم، تهران: قومس.
- لشکری، محمد و بافنده ایمان دوست، صادق. (۱۳۹۰). نقش دولت اسلامی در توسعه اقتصادی. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره دوم، بهار و تابستان.
- لشکری، محمد. (۱۳۸۸). توسعه اقتصادی و برنامه ریزی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- لفتویچ، آدریان. (۱۳۷۸). دموکراسی و توسعه. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشارات طرح نو.

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و

## الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- لوکایون، ژاک و دیگران. (۱۳۷۳). بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی. ترجمه احمد اخوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- مایر، جerald. (۱۳۷۵). از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه. ترجمه غلامرضا آزاد، نشر میترا.
- ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۴). سیری در نظریه های انقلاب. تهران: نشر قومس.
- مهدوی، پگاه. (۱۳۹۶). رابطه توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی با تاکید بر تجارت بین الملل. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد، دانشگاه مازندران، شهر یور.
- میرزایی تبار، میثم و همکاران. (۱۳۹۴). تبیین رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی؛ مطالعه موردی: شهرستان ممسنی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- نفعی، لیلا. (۱۳۹۵). تاثیر توسعه مالی بر توسعه اقتصادی در ایران. پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته توسعه و برنامه ریزی اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تابستان.
- نوروزی خیابانی، مهدی. (۱۳۷۴). فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی. تهران: نشر نی.
- ورمزیاری، حجت، بنی اسدی، مصطفی. (۱۳۹۳). سیری در مفهوم توسعه اقتصادی از رشد تا پایداری؛ تطابق پذیری با رویکرد اسلامی. سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اردیبهشت و خرداد.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم.

-Myrdal, G. (۱۹۷۵), *Against the Stream, Critical Essays on Economics*, London: The Macmillan Press LTD.